



۲۰۱۷/۰۳/۰۸



حمید انوری

راه بیرون رفت کدام است؟!

هر سال که میگذرد و هربار که آمد آمد مارچ فرنگی می شود، دو تاریخ مشخص ما را بخود مشغول می دارد، یکی هشتم مارچ روز جهانی زن است و آن دیگری بیست و یکم مارچ جشن سال نو و نوروز و میله نوروزی و نهال شانی و...

دیربست اما در کشور برباد رفته ما دستان پلیدی که در پستی و پلشتی شیطان را هم به شاگردی نمی گیرند، با هر دو روز و تجلیل از هر دو روز با تیر و تلوار و با درهم و دینار و تومان و کلدار و هزار و یک ترفند و نیرنگ، پیدا و پنهان سرسختانه به دشمنی برخاسته اند.

این طایفه "زنده کش مرده پرست"، دیرباز بیست که مرده های شانرا سر شانه می کشند و مشغول قهرمان سازی و قهرمان پرستی اند، غافل از آنکه همان مرده های گویا قهرمان شانرا هم مادرانی به دنیا آورده است و توهین و هتک حرمت به زن، توهین و هتک حرمت به مادران خود شان و مادران قهرمانان شان نیز است.

نوروز و سال نو و جشن سال نو را نیز این طائفه تاریخ زده و خدا شرمند با تیر جهالت شان از چهار سو و شش جهت هربار نشانه میگیرند و با هرچه تازه و نو است سرسختانه دشمنی دارند و...

و اما و مگر در مقابل اینهمه پستی و پلشتی و دشمنی با نو و نو آوری و دشمنی با زنان و روز زن و تجلیل از مقام زن، چه باید کرد؟!

با زن ستیزی خفت آور در سرزمین آبائی ما چگونه باید مبارزه کرد؟

راه بیرون رفت از این منجلاب کدام است؟

تا چند فقط با نشر اشعار زیبا و مطالب و مقالات در مورد روز زن و تجلیل از این روز پر افتخار بسنده کنیم. و یا هم دل به دریا زده و اندکی چوکات های مصنوعی را که برای ما ساخته اند، درهم شکسته و عاملین این همه نابسامانی ها را و اینهمه زن ستیزی و دشمنی با زن را، که زن ما را مادر است و خواهر، ما را دختر است و همسر، ما را رهنماست و رهبر، ما را رفیق است و شفیق و ما را یار است و یاور و...؛ افشاء نموده و یخن های چرکین این نامردان تاریخ بشریت را با قلم های بران خویش درید، و بعد صبح روز نهم مارچ بگفته مشهور باز هم "همان خرک خواهد بود و همان درک"، روز نو، روزی از نو!!!

نمی دانم این تجلیل های روی صفحات اینترنت و یا قلم کش کردن ها در اخبار و مجلات و روزنامه ها و داد و بیداد کردن ها در پرده تلویزیون ها و...، کدام گره از کار فروبسته زنان دربند کشیده شده افغان خواهد گشود؟ و اما این قلم را عقیده بر این است که در ملک دربند کشیده شده و برباد داده شده ما، نه تنها زن ستیزی بیداد میکند، بلکه جنس زمخت (من با هزاران درد و دریغ در سرتا سر کشور ما مرد ای را به معنی واقعی آن سراغ ندارم) هم وضع بهتری از زنان ندارند. " همه در بند دربندیم ما".

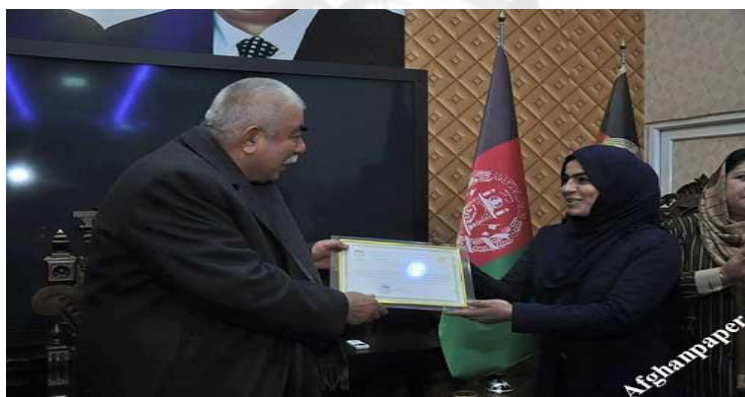
پس چه باید کرد با این "طائفه زنده کش مرده پرست"؟ و راه بیرون رفت کدام است؟

راه بیرون رفت از اینهمه نابسامانی و زن ستیزی تا زمانی در دیدرس نخواهد بود که زنان افغان در داخل کشور و خارج از مملکت همه باهم متحد و متفق و یک گام نشوند و تا زمانیکه یک عده محدودی از زنان افغان در داخل کشور از منافع زودگذر خود در داخل نظام کنونی به نفع همه زنان کشور استفاده جایی نکنند.

ما زنانی را در همین پارلمان کنونی و نیز دور گذشته سراغ داریم که در دفاع از نامردان زمان همدیگر را زیر مشت و لگد گرفتند و با بوت و چپلی و بوتل آب بر همدیگر حمله بردند، ما زنانی را سراغ داریم که گویا به عنوان نماینده مردم در صحن غازی سندیوم در دفاع از دوستم جنایتکار و فهیم زشت کردار و...، فریاد سر دادند که "مرگ بر حقوق بشر"، "مرگ بر ملالی جویا" و...

چگونه باید از این زنان نا زن توقع دفاع از حقوق زنان کشور را داشت؟

همین چند روز قبل بود که تعدادی از خواهران ما را در داخل کشور با زر و زور و تزویر گردهم آوردند تا تقدیر نامه هائی به رشید دوستم "گلم جم" که بوی گند جنایات بی حد و مرزش سرحدات کشور را نیز درنوردیده است، دو دسته تقدیم دارند و در "وصف" او شعر و ترانه بخوانند. به عکس زیر دقت کنید:



تقدیر شماری از اعضای مجلس سنا و فعالان حقوق زن از جنرال دوستم به مناسبت روز ملی سرباز

پس در این آشفته بازار که هر کس نان به نرخ روز میخورد، چگونه باید با زن ستیزی مبارزه کرد و چسان زنان افغان را در داخل و خارج از کشور باهم متحد و یک پارچه ساخت تا جهت احقاق حقوق حقه شان به پا برخیزند؟!

از نظر این هیچمدان زنان افغان تا با تلاش و فهم و درایت خود، فارغ از تعلقات قومی و قبیله ئی و فارغ از زبان و دین و مذهب باهم دیگر متحد نشوند، زن ستیزی و خشونت با زنان و ظلم و تهدید و تخویف و... همچنان ادامه خواهد یافت و ماهم فقط در هر سال از هشتم مارچ و روز زن و روز مادر در حد یک تجلیل خواهیم ماند و از آن اندکی هم فراتر نخواهیم رفت.

من فقط آنگاهی این روز بزرگ و پرافتخار را برای زنان کشورم تبریک و تهنیت خواهم گفت که کوچکترین خبر خوشی در راه احقاق حقوق حقه زنان برده بار، شجاع، باهمت و با شرف افغان دریافت دارم، حتی یک قدم بسیار کوچک و یک خبر مختصر اندر این راه پر افتخار و غرور آفرین.

البته ناگفته نباید گذاشت که افغانستان اگر تا حالا به کندی نفس میکشد و زنده است هنوز، (از یمن دعای شب و ورد سحری "مادران" است) و زحمت و تلاش و بازهم زحمت و تلاش و بازهم زحمت و تلاش و بازهم...، مادران است، که مادر زن است و تمام روز های سال روز زن است، چه اگر زن نبود، دنیا نبود!!!

پس بیائید ما و شما هموطنان که قلم شکسته ما هنوز روی سپید کاغذ را سیه میکند، نه تنها در هر سال فقط در روز هشتم مارچ یاد زنان پر افتخار و مقاوم کشور خود کنیم، بلکه از هر فرصتی استفاده کرده و راه بیرون رفت از این مصیبت را جستجو کنیم.

تذکر: از اینکه ناچار عکس شرم آور بالا را در این مختصر جا دادم، از حضور همه زنان باشرف افغان صمیمانه معذرت میخواهم.

یار زنده و صحبت باقی

